نقدی بر گشت‌وگذار تصویری حسین شمقدری در خیابان‌های اروپا در قالب مستند «انقلاب جنسی»

جسورانه اما بی‌دقت

■ محسن آقایی* ■

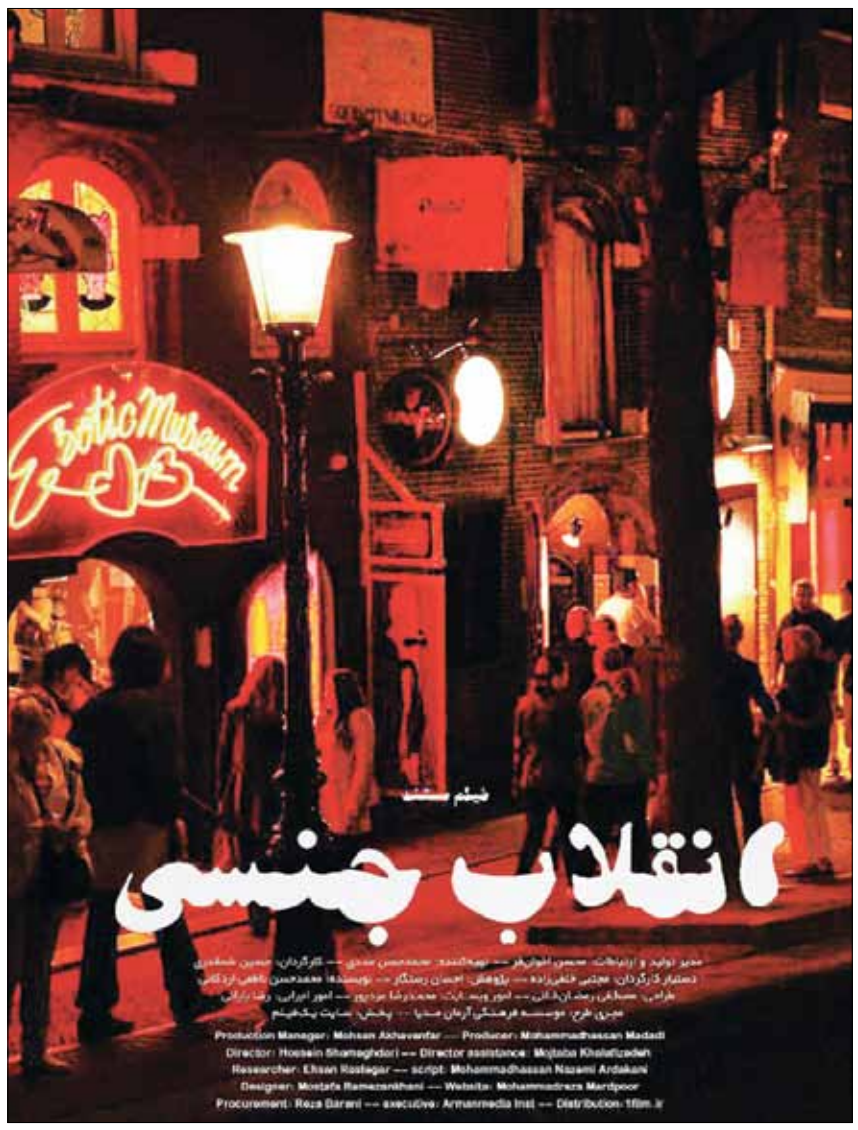

دیدگاه میهمان

«حسین شمقدری» مستندساز جوان انقلابی که با کارگردانی سری «میراث آلبرتا» به شهرت رسید، در ادامه سلسله فیلم‌های مستندی که از محیط جذاب اروپا برای مخاطب ایرانی و البته با نگاه و دغدغه‌های انقلابی می‌سازد، این بار دوربین خود را روی موضوعی در اروپا زوم کرده است که از فرار مغزها و پناهندگی، به مراتب جذاب‌تر و چالشی‌تر است. اسم مستند تا حد زیادی تکلیف را روشن می‌کند: «انقلاب جنسی»؛ فیلمی است درباره زیست جنسی اروپاییان و انقلابی که در آن واقع شده. به گفته خود شمقدری و آنچه در خلاصه آن آمده است، فیلم سعی دارد مخاطب را به دنیای غرب نزدیک‌تر کند. آنچه در پی می‌آید، کالبدشکافی این سوغات فرنگ است که حاصل چندین بار تماشای مستند و ساعت‌ها گفت‌وگو با حسین شمقدری، استاد قاسمیان و متخصصان این حوزه است. فیلم خیلی روان و ساده در قالب تصاویر و مصاحبه‌هایی جذاب، با جوانان ایرانی و اروپایی و بعضی نماهای عمومی از شهرهای اروپا و تهران سعی می‌کند وضعیت زیست جنسی در این ۲ موقعیت را معرفی و البته هر دو را به چالش بکشد تا در نهایت و در مصاحبه‌ای کوتاه با حجت‌الاسلام قاسمیان (رئیس حوزه مشکات و روحانی انقلابی شناخته‌شده) و مشاور اصلی پروژه، ایده خود را در وضع

مطلوب مدیریت امر جنسی از منظر اسلام مطرح کند. هرچند اشکالاتی در لایه ساختار و فرم و عمدتا ناشی از شتابزدگی در تولید وجود دارد اما در این یادداشت صرفا محتوا را در دو بخش کلی نکات مثبت و تهدیدات فیلم، مورد بررسی قرار داده‌ایم.

■ **آنچه درباره فیلم شایسته تقدیر و توجه است**

۱- ورود به اصل موضوع؛ آینده‌پژوهی بحران جنسی

صرف ورود فیلمساز از این منظر به موضوع بحران جنسی یک حرکت کاملا رو به جلو است. ما عمدتا در کشور درگیری‌های خرد و مقطعی با مسائل روز داریم که بدون توجه به تبعات آتی آن هرگز بدرستی درک و حل‌وفصل نخواهد شد، لذا توسعه افق نگاه و عمق تحلیل عامه مردم در این مسائل، گامی بسیار مثبت و رو به جلو ارزیابی می‌شود.

۲- به رسمیت شناختن مشکل زیست جنسی ایرانیان توسط دغدغه‌مندان انقلاب اسلامی

هرچند این مسأله تازگی ندارد و متفکران، پژوهشگران و فیلمسازان دغدغه‌مند انقلاب نسبت به این موضوع هشدار داده و درباره آن آثاری تولید کرده‌اند (به طور مثال در طیف انقلابیون مستندهای یک پیشنهاد ساده، پشت صحنه، بازگشت گمورا، خیال‌پرست و ...) اما کماکان اینکه درباره این مسأله دلسوزان خودی

ورود کرده و دهان معارضان و کینه‌جویان را بسته نگه داشته‌اند از منظر سیاسی، امنیتی و فرهنگی، بسیار ارزشمند است.

۳- روایت مستقیم از قلب اروپا

سفر به اروپا و ارائه تصویری به‌روز و دست اول از مسأله، فرصت مناسبی در راستای افزایش اعتماد و باورپذیری مخاطب فراهم کرده است. هرچند بسنده کردن به این حضور ظاهری و عدم پژوهش، آسیب‌هایی هم داشته است.

۴- جسارت فیلمساز و عدم محافظه‌کاری در مواجهه با موضوع و ارائه مطالب

عدم محافظه‌کاری و جسارت فیلمساز تا جایی است که برخی از مخاطبان را آزار داده و به مرز بی‌حیایی هم نزدیک شده اما در هر صورت این نوع بیان و مواجهه با موضوع در اصل کار لازم و مطلوب به نظر می‌رسد، آن هم در دوره‌ای که ناکارآمدی تعارفات و رودربایستی در مواجهه با مسأله بر همگان ثابت شده است.

۵- شروع خوب و جالب توجه فیلم

طرح بحث فیلم با یک شوک خوب آغاز می‌شود؛ تصاویری از زنان محجبه اروپایی در حدود ۱۰۰ سال پیش و قبل از آزادی‌های جنسی امروزی و واکنش‌های نسل امروزی جوانان اروپایی به این تصاویر که موقعیت جذابی را خلق کرده است.

۶- به چالش کشیدن تصور ایرانیان در زمینه ازدواج موقت

در بخش‌های انتهایی فیلم مسأله ازدواج موقت به عنوان راهکاری از سوی کارشناس فیلم جهت پر کردن فاصله احساس نیاز جنسی تا فراهم شدن شرایط ازدواج دائم مطرح می‌شود و این ایده با برخی مصاحبه‌شوندگان ایرانی مطرح شده و نگاه منفی آنها نسبت به این موضوع به تصویر کشیده می‌شود. هرچند به زعم نگارنده این چالش در نهایت به نفع گفتمان صیغه به اندازه کافی اقناع ایجاد نمی‌کند اما همین طرح چالش با فرهنگ ایرانی به عنوان مانعی جدی در امر ازدواج موقت در جامعه‌ای که سینما و رسانه‌ها و تلویزیون و عرف بشدت علیه آن تبلیغ می‌کنند نگاهی بسیار قابل ستایش و پیشرو محسوب می‌شود.

■ **آنچه درباره فیلم نگران‌کننده و خطرناک است**

اما به‌رغم محاسن فوق و مثبت بودن ساخت چنین مستندهایی، نواقص و نارسایی‌هایی در فیلم وجود دارد که ممکن است منجر به سوءتفاهماتی شده و مستند را به ابزاری خلاف هدف خود تبدیل کند که لازم است در نظرسنجی‌های حساب شده، این امر بررسی شود و در صورت مثبت بودن این فرضیه به نحوی آثار مخرب فیلم را کاهش داد.

ذیلا به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود.

۱- ابهامات جدی نسبت به صحت ایده فیلمساز و پیام دریافتی مخاطب در بعضی موارد مهم

تلقی‌ها و برداشت‌های متعدد از یک فیلم، لزوماً بد نیست [به شرطی که آگاهانه باشد] اما به‌رغم اینکه شمقدری در پی تثبیت نگاه مشخصی در فیلم بوده است، در مقام اجرا محصولی ارائه شده که برداشت‌های مخاطبان از برخی بخش‌های مهم آن یکسان نبوده و بعضا در تضاد کامل با یکدیگر است.

برخی مستند به مصاحبه‌های بعدی فیلمساز با خبرگزاری‌ها معتقدند نمونه‌هایی از آنچه ذیلا می‌آید واقعا مد نظر فیلمساز بوده و برخی، این را رد می‌کنند اما در هر صورت در گفت‌وگوهای مختلفی که با طیف‌های مختلف بینندگان مستند داشته‌ایم برداشت‌هایی از فیلم صورت گرفته که ذیلا بخشی از خطرناک‌ترین آنها آمده است:

- آموزش و مدیریت جنسی اروپا در مدارس و اینکه برای کودکان ۱۲ ساله نیز وسایل پیشگیری از بارداری در دسترس است، امری مثبت و شایسته الگوبرداری است.

- وجود مکان‌هایی تحت عنوان منطقه قرمز برای ارائه خدمات جنسی توسط فاحشه‌ها به عموم مردم، امری عقلانی و لازم‌الاجراست.

- اروپاییان مردمانی متعهد به روابط خود هستند و خیانت و بی‌اخلاقی در آنها وجود ندارد یا حداقل اصلا رایج نیست.

- اینکه زنان با هر سطح از برهنگی به راحتی در اروپا زندگی می‌کنند و مشکلی برای‌شان رخ نمی‌دهد، نشان متمدن بودن مردان اروپایی است برخلاف ایرانی‌های عقده‌ای و مریض جنسی (هرچند در فیلم کارشناس این امر را نشانی از سردی روابط جنسی عنوان می‌کند اما در فیلم نمی‌فهمیم پس این آمار تجاوز بالا از چیست).

- ابتدای فیلم می‌شنویم اروپا به دلیل افراط کلیسا و سرکوب میل جنسی به وضعیت فعلی دچار شده اما مصادیق این سخت‌گیری و افراط بیان نمی‌شود و تنها تصاویری قدیمی از زنان محجبه اروپایی دیده می‌شود که اتفاقا خیلی فقیر و فلاکت‌زده به نظر می‌رسند.

آیا در ذهن مخاطب خاکستری هدف فیلم که اساسا یا اعتقاد جدی به اسلام و حجاب ندارد و حتی بعضا علیه آن می‌جنگد یا اگر دارد حجاب را چندان لازم‌الاجرا نمی‌داند (مثل بدحجابانی که در مراسم شب‌های قدر و... می‌بینیم) نتیجه احتمالی جز این خواهد بود که حجاب و تاکید بر آن (بویژه حجاب قانونی) مصداق افراط و سرکوب و دور از عقلانیت و تعادل است؟

- نمایش تصویری از یک زن و یک مرد با جذابیت‌های جنسی و پرسش از مردم ایران و اروپا که ترجیح می‌دهید با کدام‌یک شبی را خوش بگذرانید.

نتیجه ۱: اروپاییان مردمانی بی‌میل به جنس مخالف، احیانا همجنسگرا و کم‌توجه به جذابیت‌های جنسی هستند (احتمالا مدنظر کارگردان)

برداشت ۲: ایرانی‌ها عقده‌ای و تشنه جنسی هستند، در عوض اروپاییان بسیار فرهیخته و بدون توجه به کلیشه‌های جنسیتی، با رویکردهای انسانی، افراد را قضاوت می‌کنند.

۲- تلقی‌های اشتباه و ساده‌انگارانه ارائه شده در فیلم درباره برخی مسائل

- عامل اصلی وقوع انقلاب جنسی در غرب، سختگیری‌های کلیسا و مسیحیان در امر جنسی است.

توضیح آنکه اولا برخی متفکران غربی و اروپایی نیز چنین نگاهی ندارند اما با فرض قبول این مسأله دلایل بسیار مهم‌تری برای وقوع انقلاب جنسی و روند افسارگسیخته آن برمی‌شمارند. مسائلی از قبیل نقش اقتصاد سرمایه‌داری، سینما، جنبش‌های فمینیستی، سیاست‌های کنترلی توده‌ها توسط قدرتمندان و زیربناهای فلسفی اجتماعی، جهان‌بینی تمدنی لذت‌گرا و فردمحور غرب و...

- مقصر یا مسؤول اصلی وقوع انقلاب قریب‌الوقوع جنسی، نهادهای دینی و حکومتی جمهوری اسلامی هستند.

به نظر می‌رسد تکرار کدهایی در فیلم که اشاره به نظام دارد، مجموعا بدهکار ماجرا را حکومت اسلامی می‌کند، بویژه اینکه فیلم با این جملات پایان می‌پذیرد: «نگاه‌های افراطی که حکومت کلیسا داشت، باعث شد امروز چیزی جز آثار تاریخی از اون باقی نمونه، آیا وقتش نرسیده با اصلاح نگاه‌های سنتی جلوی آفت‌هایی رو بگیریم که غرب امروز دچارش شده؟»

هرچند نمی‌توان منکر انفعال و کم‌کاری مسؤولان در این سال‌ها و نقش سلبی و ایجابی هر نوع حکومتی در مدیریت امر جنسی مردم آن جامعه شد اما سهم نظام در پیش آمدن این معضلات به نسبت مشکلاتی که ناشی از رواج فرهنگ شهوت‌سالار و هرزه غربی و عرف و سنت‌های دست و پاگیر ایرانی در ازدواج است، چقدر است؟ مهم‌تر از آن حتی اگر مقصر اصلی مسؤولان باشند، ارزش افزوده بسط این نگاه (که البته پیش‌فرض قبلی همه مخاطبان در ایران همین است) جز سلب مسؤولیت از رفتار مردم و خانواده‌ها چه خواهد بود؟

از این گذشته راه‌حلی که در فیلم معرفی می‌شود یعنی مسأله صیغه هرچند توسط جمهوری اسلامی ترویج نشده (آن هم به دلیل ترس از واکنش‌های عرفی احتمالی) اما هرگز توسط حکومت منع نشده و اتفاقا اندک ساختارهای قانونی‌ای هم برای آن پیش‌بینی شده است، بنابراین چه نعل وارونه کوفتنی است که وقتی عامل اصلی عدم رواج ازدواج موقت، فرهنگ عامه است، نظام مسؤول این بحران باشد؟

سوای اینها اگر عامل دیگر در تشدید بحران جنسی را تحریک بیش از حد ناشی از ظهور و بروز جنسی زنان و مردان در عرصه اجتماع، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ... بدانیم، نه‌تنها نظام متهم نیست بلکه قهرمانی است که آبرو و اقبال عمومی خود را هزینه مبارزه با این فرهنگ‌های شهوت‌سالار کرده است.

- تقلیل بحران جنسی غرب به انحرافات در عمل جنسی مثل رژه افتخار همجنس‌بازان.

کارگردان پس از نمایش تمجیدآمیز برخی آزادی‌های جنسی و سیاست‌های مدیریت مسائل جنسی مثل ارائه کاندوم در مدارس و سطح شهر و توصیه و تاکید بر آموزش برقراری روابط جنسی رو به دوربین می‌گوید: «تا اینجای کار اینجوری برداشت می‌شود که رفتار غرب، اسلامی است، کسی عقده‌ای نمی‌شود، حتی رد لایت(فاحشه‌خانه رسمی) هم گذاشتن که خودشان (هم) نمی‌روند اما این همه واقعیت غرب نیست». و در ادامه ما تصاویری را خواهیم دید که بناست سمت تاریک زندگی جنسی غرب را نشان دهد. اما این سمت تاریک از نگاه شمقدری چیست؟ رفتارها و پوشش‌های اغراق شده جنسی همجنس‌بازان در رژه افتخارشان، تن‌فروشی مردان و تبلیغات بسیار جنسی و درنهایت این جمله از زبان کارشناس روحانی فیلم که زنان لخت هم، دیگر حتی مورد توجه مردان اروپایی نیستند و میل جنسی در مردان اروپایی کاهش پیدا کرده است. اشکال بزرگ اینجاست که اولا فیلمساز ماهیت انقلاب جنسی و محصولات ویرانگرش را اصلا درک نکرده و متاسفانه نه‌تنها نتوانسته بلکه حتی به سمت این نرفته که مخاطب را مجاب کند فرهنگ جنسی غرب یک کل واحد است و رسیدن به یک جزء بدون ابتلا به سایر مسائل، اساسا شدنی نیست. نمی‌دانیم اینکه کارگردان هیچ اشاره‌ای به آمار تجاوزات، خانواده‌های از هم پاشیده، بحران هویت، آمار فرزندان نامشروع، خودکشی، رفتارهای به مراتب زشت‌تر و انحرافی‌تر جنسی (نسبت به آنچه در فیلم آمده)، بردگی جنسی کودکان و زنان، آمار وحشتناک سقط جنین و مسائلی از این دست نکرده متعمدانه بوده است یا به این دلیل است که اساسا چرخیدن و گپ زدن کارگردان در خیابان‌های اروپا منجر به کسب اطلاع از چنین مسائلی نخواهد شد. اما دو نکته، عمق و دقت نگاه شمقدری را بخوبی بازنمایی می‌کند؛ در نخستین جملات فیلم، شمقدری می‌گوید: «ما در ابتدای مسیری هستیم که غرب ۲۰۰ سال قبل آغاز کرده (انقلاب جنسی)». برای‌مان سوال شده بود که این ۲۰۰ سال از کجا آمده، با هیچ قرائتی شروع انقلاب جنسی به ۲۰۰ سال پیش بر نمی‌گردد، از خود کارگردان سوال شد و گفتند منظور دوران ملکه ویکتوریاست. از قضا این دوره در اروپا شهره به دوره اخلاق‌گرایی و دیسیپلین سنگین جنسی و رفتاری است، فضایی نزدیک به دهه ۶۰ خودمان. ضمن اینکه ملکه ویکتوریا سال ۱۹۰۱ از دنیا می‌رود و شروع فرآیندهای انقلاب جنسی در نهایت از این تاریخ به بعد است. اما این مطلب ساده که با یک جست‌وجوی زیر ۱۰ ثانیه‌ای اینترنتی حل می‌شود در مقابل خطایی که شمقدری در ابتدای فیلم می‌کند خطای کوچکی است. شمقدری رندانه در موزه لوور فرانسه تصویری از مریم مقدس به قول خودش قبل از انقلاب جنسی نشان می‌دهد و سپس کمی جلوتر به مریم مقدسی بعد از انقلاب جنسی می‌رسد که برهنه است. اما مجسمه معروفی از مریم مجدلیه(زن فاسدی که قصد سنگسارش را داشتند اما به دست مسیح توبه داده شد) را می‌بینیم (زنی که طبق افسانه‌ای بعد از توبه در غاری عزلت می‌گزیند، روزها فرشته‌ها او را به آسمان می‌برند تا نغمه‌های بهشتی را بشنود و تنها تن‌پوشش موی تنش بوده و این مجسمه بازنمایی از آن افسانه است) و جالب اینکه خود شمقدری هم این عنوان را زیرنویس می‌کند اما نمی‌فهمد این دو، افراد متفاوتی هستند. شاید بنا به دلایلی جست‌وجوی اینترنتی مقدور نشده اما حداقل خواندن تاریخ ساخت مجسمه زیر آن که مربوط به قرن ۱۶ میلادی است توقع زیادی نیست. و ما نمی‌فهمیم چه انقلاب جنسی‌ای است که از ۲۰۰ سال پیش شروع شده اما نمادش مجسمه‌ای در ۵۰۰ سال پیش است! البته وقوع چنین مسائلی در حالی که کل فرآیند پژوهش، پیش‌تولید، تولید و پس‌تولید کار در رکوردی عجیب در عرض تنها ۲ ماه انجام شده خیلی هم نباید شگفت‌آور باشد. آن هم برای کسی که ظاهرا هیچ پیشینه تخصصی یا مطالعاتی در این زمینه نداشته است. هرچند موارد دیگری در خلال مصاحبه‌ها این شائبه را تقویت می‌کند اما نمی‌خواهیم بدبینانه بگوییم با دستکاری واقعیت توسط فیلمساز مواجهیم اما بی‌دقتی ناشی از عدم اهتمام به پژوهش حتی در حد یک جست‌وجوی ساده اینترنتی، گناهی نابخشودنی و زیر سوال برنده اساس اعتبار فیلم است و در مرحله ارائه تحلیل و راه حل نتیجه همان خواهد شد که روزی، کله‌پزی هوس جراحی مغز به سرش بزند.

> **با توجه به روایت فیلم و همچنین گفت‌وگوهایی که با عوامل فیلم داشته‌ایم اگر نگوییم مهم‌ترین، لااقل یکی از مهم‌ترین ایده‌های فیلم تلاش برای تبیین نظام ازدواج موقت اسلامی از طریق تبیین و یکسان‌سازی با مدل روابط دوستی دختر پسرهای اروپایی است؛ یعنی رابطه‌ای که ۲ طرف تعهداتیبه هم دارند و خانواده‌ها در جریان دوستی و ارتباطات آن دو هستند**

- کیفیت نظام روابط دوست دختر- پسری اروپا می‌تواند مدل مطلوبی از صیغه اسلامی باشد.

با توجه به روایت فیلم و همچنین گفت‌وگوهایی که با عوامل فیلم داشته‌ایم اگر نگوییم مهم‌ترین، لااقل یکی از مهم‌ترین ایده‌های فیلم تلاش برای تبیین نظام ازدواج موقت اسلامی از طریق تبیین و یکسان‌سازی با مدل روابط دوستی دختر پسرهای اروپایی است؛ یعنی رابطه‌ای که ۲ طرف تعهداتی(البته صرفا اخلاقی) به هم دارند و خانواده‌ها در جریان دوستی و ارتباطات آن دو هستند، با این توضیح که از ابتدا قرار به جدایی نیست و دختر و پسر اروپایی واقعا به قصد ازدواج یا رابطه درازمدت وارد رابطه با یکدیگر می‌شوند و تا مدت‌ها به چشم همسر به یکدیگر نگاه می‌کنند. البته ممکن است این رابطه به ازدواج ختم شود یا نشود اما در هر دو صورت تا مدتی که دو طرف با یکدیگر در ارتباطند از لحاظ جنسی تامین بوده و پنهانکاری و خیانتی هم در کار نخواهد بود. خانواده‌ها هم راضی و در جریان هستند و می‌توانند مشاوره‌های خود را داشته باشند. اما به دلایلی که خواهیم گفت، اولا این قیاس، قیاس غلطی است و ثانیا نه‌تنها کمکی به ترویج ازدواج موقت نکرده که نتیجه‌ای جز تثبیت و گسترش بیشتر فرهنگ روابط نامشروع نخواهد داشت.

■ **چرا این قیاس غلط و مخرب است؟**

۱- تعهدات در روابط دوستانه غربی، هیچ ضمانت اجرایی نداشته و مطلقا نمی‌توان به اظهارات جوانان عاشق‌پیشه‌ای که در حال حاضر در یک ارتباط عاطفی هستند(آن هم در کنار دوستان‌شان و مقابل دوربین) به عنوان سندی بر رعایت تعهدات نسبت به یکدیگر بسنده کرد بلکه آنچه در عمل مشاهده می‌شود (به اعتراف آمارهای خود دولت‌های غربی) درصد بسیار بالای خیانت حتی در زوج‌های قانونی است که نشان‌دهنده عدم وفاداری و پذیرش تبعات این نوع روابط است.

۲- روابط خارج از تعهد و غیرشرعی دوستی آزاد ۲ جنس در غرب در بستر اختلاط آغاز می‌شود و با دوستی و عمل جنسی پایان می‌پذیرد. لازمه دوستی این است که افراد در معرض ارتباطات زیاد با جنس مخالف باشند و بر اثر این ارتباطات زیاد به یکدیگر علاقه‌مند یا وابسته شوند، حال آنکه در مدل ازدواج موقت، صیغه محرمیت نقطه شروع رابطه است و اسلام بشدت اختلاط و روابط پیش از ازدواج را نهی کرده است.

۳- از طرفی ازدواج موقت کاملا در فضای التذاذ جنسی تعریف(از نظر اسلام) و خوانش(از نگاه مردم) می‌شود و از طرفی آنچنان نگاه جوان و جامعه ایرانی به روابط ۲ جنس رمانتیک و دراماتیزه شده که روابط دوستی دختر و پسر غربی که ظاهرا یا واقعا تکیه بر عواطفی مثل عشق و دلدادگی دارد برای جوان ایرانی قابل تعویض با ازدواج موقت نیست، کأنه ازدواج موقت نوعی روسپی‌گری است که جایگزین عشق نمی‌تواند بشود. در نتیجه همانطور که در فیلم هم می‌بینیم جوانی که بخوبی تفکرات جوانان امروزی را نمایندگی می‌کند، صیغه را کلاه شرعی یا فروش بدن می‌داند.

۴- حتی با نادیده گرفتن تمام تمایزات فوق‌الذکر موانع جدی بزرگی بر سر راه پذیرش ازدواج موقت حتی با مدل اروپایی آن وجود دارد که مانع پذیرش آن در جوانان و خانواده‌ها شده و این قیاس به جای اینکه کمکی در جهت تثبیت یا ترویج فرهنگ ازدواج موقت باشد، توجیهی در راستای گسترش روابط خارج از شرع می‌شود.

مسائلی مثل شرط رضایت ولی دختر یا هژمونی سنگین فرهنگ وجوب بکارت دختران در ازدواج دائم؛ اینها به معنای مخالفت با ازدواج موقت نیست، بحث بر سر این است که توصیه‌ای که در فیلم با الهام از فضای دوستی دختر و پسر در اروپا می‌شود هیچ کمک موثری به ازدواج موقت نمی‌کند بلکه خدای ناکرده ممکن است صرفا تبدیل به وجدان خفه کنی برای برخی مغرضان شود.

۵- حتی اگر جوانانی(از طیف خاکستری مخاطب فیلم) حاضر شوند بعد از جدی شدن دوستی‌شان که بر اثر اختلاط و روابط نزدیک ایجاد شده، با اطلاع خانواده‌ها عقد موقت داشته باشند، تازه به مدل اروپایی رسیده‌ایم با کمی رنگ و لعاب شرعی. اما نکته اینجاست که این مدل همانطور که در غرب به دلیل بافت اختلاط و محیط بیگانه از غیرت و عفت، مسائل و اشکالات فراوانی ایجاد کرده(مادران مجرد، فرزندان بی‌هویت، شکست‌های عاطفی و خیانت، بی‌وفایی، انتقامجویی و...) اینجا نیز چنان خواهد شد، چرا که به احتمال زیاد تعهدات آتی مانند عده نگه داشتن و پذیرش سرپرستی فرزند در صورت بارداری برقرار نخواهد بود. چه انتظاری هست که دختر و پسری که خارج از چارچوب شرع در محیط اختلاط، روابط صمیمانه‌ای داشته‌اند(یعنی التزام عملی کافی به دین ندارند) تا حدی که به نامزدی یا محرمیت رسیده است بعد از جدایی که معمولا ناشی از تنش، شکست‌های عاطفی و احتمالا نفرت و حس انتقام است به تعهد خود نسبت به طرف مقابل‌شان به خاطر خدا پایبند بمانند؟

۶- نمی‌توان ازدواج موقت یا احکام اسلامی را از بافت اصیل خود (عفت، غیرت، تقوا) خارج کرد و انتظار کارآیی داشت. یا بالعکس صورتی ظاهری از رفتاری غیرشرعی و غیراسلامی(لذتجویی فردی غیرمسؤولانه) را ولو قرابت‌هایی با مدل اسلامی داشته باشد، به جای مدل اسلامی جایگزین کرد.

۳- خط‌شکنی در نمایش و عدم توجه به پیامدهای مخرب برهنگی

فیلم در نمایش صحنه‌های جنسی و میزان نمایش برهنگی خطوط قرمز زیادی را پشت سر گذاشته است به نحوی که می‌توان ادعا کرد هرگز در هیچ فیلمی در فضای رسمی جمهوری اسلامی ایران این حد از برهنگی و نمایش صریح محتوای جنسی سابقه نداشته است. تا جایی که شاهدیم، یکی از شرکت‌کنندگان در راهپیمایی رژه افتخار همجنس‌بازان تلاش می‌کند آلت مردانه مصنوعی همراه خود را به کام مبارک فیلمساز انقلابی ما وارد کند! طی گفت‌وگویی که با عوامل و مشاوران پروژه داشته‌ایم دفاع‌شان از این امر به دلیل ایجاد نزدیک‌ترین تصویر از جامعه اروپا عنوان شده است تا مخاطب واقعا با آنچه می‌گذرد مواجهه مستقیم داشته باشد. اما اولا به اعتراف مشاور پروژه و به سند برخی سانسورهای تصویری، کارگردان هرگز نتوانسته و نخواهد توانست مخاطب را با آنچه در اروپا می‌گذرد بدون رتوش و دستکاری مواجه کند و واقعیت آنجا بسیار وقیح‌تر از آن چیزی است که قابلیت نمایش داشته باشد. ثانیا با فرض اینکه چنین هدفی امر مثبتی تلقی شود، آیا در نظام «هزینه/ فایده» کماکان مطلوبیت دارد؟ مسأله مطلقا محدود به موازین شرعی نیست، بلکه تبعات آتی عادی شدن نمایش چنین تصاویری است!

از این گذشته برخلاف استناد مولفان اثر که می‌گویند این اثر برای مخاطبان خاکستری ساخته شده، به سند تجربه، موضع و طیف‌فکری-فرهنگی فیلمساز و رسانه‌های منعکس‌کننده تبلیغات فیلم اتفاقا مخاطب نهایی فیلم در عمل به طور نسبتا غالبی مذهبیون خواهند بود نه قشر خاکستری.

■ **تقلیل دامنه بحران زیست جنسی غربی به عمل جنسی**

یکی دیگر از اشکالات جدی فیلم که به صورت دومینووار می‌تواند منجر به بازتولیدهای غلط در تحلیل و ارائه راهکار برای حل بحران جنسی کنونی شود عدم توجه به مسائل کلان پیشینی و پسینی پیرامون عمل جنسی و تقلیل بحران به صرف افراط در عمل جنسی(Sexual Intercourse) در اروپاست.

این تقلیل ساده‌انگارانه می‌تواند اصلی‌ترین دلایل بطلان فرهنگ جنسی غرب را نادیده گرفته و از آن مهم‌تر بدون شناخت و مواجهه با دلایل اصلی بروز انقلاب جنسی، نسخه‌ای معوج برای درمان عوارض آن بپیچد. همانطور که محمدرضا زائری در کتاب حجاب بدون حجابش این نگاه را رد کرده و آن را تشبیه به کار طبیبی می‌کند که برای بیمار مبتلا به آبله مرغان داروهای رفع خال و قرمزی پوست تجویز می‌کند. جای خالی تاثیر فهم مسائل کلانی نظیر نقش اشتغال و تحصیل یکسان زنان و مردان، تحول هویت جنسی و نقش‌های اجتماعی، جایگاه نهاد خانواده، دین، فلسفه حیات و... در سازندگان و فیلم‌شان بشدت احساس می‌شود. با توصیفاتی که ذکر شد نمی‌دانیم باید به خاطر این لنگه کفش در بیابان شکرگزار باشیم یا از ترس مار و عقرب‌های احتمالی خفته در آن، عطایش را به لقایش ببخشیم. راه‌هایی بود تا این مار و عقرب‌ها

در مستند نباشند. به هر رو امید که در آثار آتی این گروه و سایر دغدغه‌مندان فرهنگ اسلامی، اشکالات و کمبودهای ذکر شده جبران شده و آثاری هر روز بهتر از دیروز از ایشان شاهد باشیم. در پایان مجددا از تلاش‌های گروه تولیدکننده تقدیر کرده و برای‌شان آرزوی توفیق روزافزون داریم.

***مستندساز و پژوهشگر مسائل جنسی**